عنوان:

ماجرای پیر و جوان در بیانیه گام دوم انقلاب

|  |
| --- |
| شناسنامه مطلب |
| کد مطلب | b-47 |
| رده | بصیرتی/تحلیل/بیانات و مواضع امام خامنه ای مدظله العالی/تحلیل مکتوبات |
| برچسب | امید روح بیانیه، جوان هویت کشور،قیام بر بستر استقامت |
| توضیحات |  |

  **امید، روح اصلی بیانیه گام دوم**
مخاطب بیانیه‌ی رهبر انقلاب، جوانان بودند. در این بیانیه هرجا که مشکل و معضلی در مسیر انقلاب تبیین گردیده، حل آن به جوانان سپرده شده است و روح اصلی همه‌ی این راه‌حل‌ها که روح اصلی کل این بیانیه نیز هست، «امید» است؛ «امیدِ صادق» که در گفت‌وگو با جوانان، خود را بیشتر به ظهور کشیده و حتی سلام آخر نیز خطاب به جوانان است. اما چرا این میزان تأکید بر امید و بر جوانان؟

پیش از این، می‌توانستیم این نکته را در سبک عزل و نصب‌های جدید رهبر انقلاب دریابیم، اما در پیام اخیر ایشان، این تأکید بر جوانان، خود را به‌صورت جدی‌تری نمایانده است. با این بیانیه به‌طور رسمی و بی‌سابقه‌ای کار به جوانان محول شد. در واقع این بیانیه، بیان یک واقعیت خارجیِ در حال رخ دادن است. پرسش این است که این واقعیت چیست و چرا این میزان تأکید بر روی آن است؟

 **توجه به جوان یعنی توجه به هویت آینده کشور**
توجه به جوان یعنی توجه به هویت آینده‌ی واقعی کشور؛ نه آینده‌ای تخیلی، بلکه آینده‌ای که قوه‌ی آن امروز در جان امت در قالب همین جوانان بُروز کرده است. نگاه به آینده یعنی نگاه به جوان. رهبر انقلاب، دستاوردها و گذشته را هم اگر در این پیام مرور می‌کنند، برای جوان و برای آینده است، یعنی قرائت تجربیات هم حتی طعم آینده دارد؛ آینده‌ای که اگر امروز بخواهیم با آن سخن بگوییم باید رو به جوان کنیم؛ جوانی که وقایع تاریخی انقلاب را ندیده است؛ برای همین برای او مقوله‌ی تاریخ باید جدی باشد تا بتواند تجربه‌ی انقلاب را بازخوانی کند. بازخوانی او باعث می‌شود این تجربه دقیق‌تر و درست‌تر به او منتقل شود. و البته با اندیشه‌ی رشدیافته و ایمان عمیق‌شده‌ی جوان امروزی که در طول این چهل سال حاصل شده، بازخوانی تاریخ می‌تواند تقریر دقیق‌تری از تجربیات ارائه کند؛ تجربیاتی که بسیاری از آن‌ها چه‌بسا در حجاب معاصرت، درست فهمیده نشده است.

اما توجه به آینده و سخن گفتن با جوانان که همیشه امر مطلوبی است، چرا امروز در چهل سالگی انقلاب و در پیام رهبر این‌قدر جدی است؟ چرا این ویژگی باید امروز و در این زمان این‌قدر به چشم بیاید؟ آیا دلیل، آن است که در جنگ امروز خود، نیاز به امید داریم و امید کالایی است که نزد جوانان بیشتر یافته می‌شود؟ یا اینکه نسل پیرمرد و فرتوت گذشته، قدرت مدیریت کشور را ندارند و ریشه‌ی دشواری‌های کشور پیر شدن مسئولین است؟

 **جشن تثبیت انقلاب**
به‌نظرم هیچ یک از این امور، پاسخ اصلی نیست. دلیل اصلی بُروز و ظهورِ توجه به جوانان، دورانی است که پشت سر گذاشته‌ایم و دورانی است که در حال آغازش هستیم. کل جریان انقلاب در این چهل سال توانست خود را تثبیت کند. پس بعد از این تثبیت، زمانه‌ی «بُروز مجدد انقلاب اسلامی» است. بنا است تاریخ بشریت یک بار دیگر پوست‌اندازی کند. جشن ۵۷، جشن یک قیام و جشن «مقلب القلوبی» خداوند بود و جشن آغاز یک عصر توحیدی. اما در بهمن ۹۷ بناست جشن «تثبیت انقلاب» گرفته شود. انقلاب تثبیت شد. پس باید جشن «ثَبِّت قُلوبنا علیٰ دینِک» گرفته شود.

امام می‌گفت «حفظ انقلاب» دشوارتر از اصل انقلاب است. در پیمودن مراحل سلوک به سمت خدا، بعد از تثبیت هر قدم، نوبت برداشتن گام بعدی است و بعد از هر قدمی که برداشته می‌شود، نوبت تثبیت آن است. امروز بعد از تثبیت انقلاب، نوبت بُروز قیامی دیگر است. معنای حفظ انقلاب، شروع دوباره و برداشتن گام بعدی است؛ انقلابی بعد از انقلاب، انقلابی از درون انقلاب، نورٌ علیٰ نور؛ انقلابی که نظام اسلامی را به هم نمی‌زند بلکه آن را حقیقتی مقدس و سازگار با خود می‌داند.

این انقلاب، از درون نظام می‌گذرد و به فکر تغییر رفتارها و دیدگاه‌های مدیران و مجریان و نقش‌آفرینان است. این انقلاب، در اراده‌ی عمومی مردم رخ می‌دهد؛ همان اراده‌ای که اساس همه‌ی حرکت‌ها و موتور اصلی رشد و پیشرفت کشور است. با این حساب اگر بناست فردایی را آغاز کنیم و آینده‌ای بُروز کند و قدم جدیدی برداریم، باید به حقیقت آینده خیره شویم؛ حقیقتی که در متن مردم حضور دارد. آینده آنجا که وجود واقعی پیدا می‌کند، خود را در نسل جوان نشان می‌دهد.

 **گام دوم انقلاب: بُروز قیام بر بستر استقامت**
امروز روز بُروز جوان تربیت‌شده‌ی انقلاب است. انقلاب در تربیت یک نسل هر چه کرده، حالا بناست محصول کارش را به تماشا بنشیند و تماشای محصول یعنی سپردن مسئولیت و کار به دست آن نسل؛ نسلی که با انقلاب تربیت شده است. این نسل جوان ویژگی‌هایی دارد اما همه‌ی ویژگی‌های او را در همین دو کلمه می‌توان خلاصه کرد: «انقلاب» و «جوان».

بُروز دیگرباره‌ی انقلاب یعنی زمانه‌ی بُروز استقامت؛ «فَاستَقِم کَما اُمِرتَ وَ مَن تابَ مَعَک»(۱) که با صوت پُرآرزوی پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله آمیخته و به گوش تاریخ می‌رسد، آنگاه که فرمود «شَیَّبَتنی سورَةُ هودٍ لِمَکانِ هذِهِ الآیَةِ». (۲)

حضرت امام، انقلاب را به «قیام لله» معنا می‌کرد. او می‌گفت این حقیقتِ یقظه است که اولین مراحل منازل عرفانی است؛ از همین‌جا حقیقت بیداری اسلامی را معرفی کرد. با این حساب، قیام اولاً یک تحول درونی است که در یک امت اتفاق می‌افتد. اولین بُروز جدی قیام لله نیز یک واقعه‌ی کلان توحیدی است. این واقعه‌ی توحیدی همان است که به قول رهبر انقلاب، «نفی عبودیت غیر خدا« روح آن است. اینجاست که کشوری که قیام می‌کند، با طاغوت درگیر می‌شود؛ استبداد را خراب می‌کند و روی پای خود می‌ایستد و به چیزی جز مقاصد «الله« فکر نمی‌کند. و مقاصدِ الله یعنی آرمان‌های انقلابی.

حفظ قیام یا همان استقامت، منشأ قدرت است؛ که خداوند فرموده «اَلَّذینَ قالوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ استَقاموا تَتَنَزَّلُ عَلَیهِمُ المَلائِکَةُ أَلّا تَخافوا وَ لا تَحزَنوا وَ أَبشِروا بِالجَنَّةِ الَّتی کُنتُم توعَدونَ»(۳) ملائکه، مظهر قدرت و قوای این عالم هستند؛ اگر امتی استقامت ورزید، قدرت او بُروز می‌کند؛ قدرتش در جهان خود را نشان می‌دهد. حالا دیگر اندازه‌ها و قواره‌ی مبارزه‌ی او تغییر می‌کند و تمام قدرت‌های شیطانی عالم برای از بین بردن او دست به کار می‌شوند. حالا مهم‌ترین ویژگی پیام الهی که قوای روحانی عالم به او می‌گویند این است که «أَلّا تَخافوا وَلا تَحزَنوا» یعنی امید داشته باش و نترس. نه ناامید باش و نه خوف کن. بلکه ای امتِ استقامت‌کرده! مهیای یک گام جدید و رو به جلو باشید: «وَ أَبشِروا بِالجَنَّةِ الَّتی کُنتُم توعَدونَ». بله، دوران و زمان بشارت نیز فرامی‌رسد.

بُروز قیام بر بستر استقامت، یعنی برداشتن گام دوم انقلاب؛ و این نیاز به جوانان دارد چون جوانان به قول امام به ملکوت نزدیک‌ترند. جوانان نفوس مستعدتری برای قیام دارند. اساساً اگر می‌خواهید درباره‌ی انقلاب سخن بگویید، با جوانان سخن بگویید. جوان آرمان‌ها را سریع‌تر می‌فهمد؛ او به آرمان‌ها نزدیک‌تر است. سخن گفتن رهبر با جوانان یعنی دوران بُروز دوباره‌ی آرمان‌ها فرارسیده است؛ اما خوب توجه کنید که این‌بار بناست آرمان‌ها در بستری از انقلاب چهل‌ساله، دوباره بُروز کنند و این تجلی انقلاب با انقلاب ۵۷ تفاوت‌های جدی خواهد داشت.

انقلابِ مجدد در بستر تثبیت انقلاب، با انقلاب در بستر فرهنگ غیرانقلابی فرق می‌کند؛ آن انقلاب اولاً بنای تغییرات در ساختار، نظام و شالوده‌ی کلان را داشت؛ این انقلاب اما ساختارهای مقدس شکل‌گرفته را به رسمیت می‌شناسد و بنای تغییر ساختارهای میانی را دارد.

آن انقلاب، سطحی از فهم نسبت به شعارها و تمایلی فطری به آرمان‌ها داشت و البته پُر از شور بود؛ این انقلاب اما عمیق‌تر به شعارها اندیشیده، آرمان‌ها را در بستر تجربه آزموده و تلاش می‌کند تا آن‌ها را در بستر واقعیت محقق کند.

آن انقلاب سطح مبارزه‌اش محدود به یک دولت بود و به‌مرور در حال کشف مبارزه‌ی جهانی؛ این انقلاب اما در زمانه‌ی بُروز مبارزه‌ی جهانی است؛ مبارزه‌ای که یک امت را در محور یک جبهه قرار داده است؛ جبهه‌ای از امت‌های هماهنگ با یکدیگر در مقابل استکبار.

پالایشی که انقلاب اول ایجاد می‌کرد، خیزش از اراده و اطاعت شیطانی و طاغوتی بود و حقیقتی اولاً سیاسی و ارادی و حاکمیتی داشت؛ اما این انقلاب بر بستری از سیاست و حاکمیت و ولایت قرار دارد و بنا دارد هویت فرهنگی و اقتصادی یک امت را بپیراید.



 **نیاز مجدد انقلاب به جوانان**
این انقلاب مجدد نیاز به جوانان دارد چون جوانان محل بُروز این دو واقعیت هستند: «استقامت» و «قیام». جوانان کسانی هستند که بر بستر انقلاب پرورده و تربیت شده‌اند و انقلاب اول، هر آنچه داشته در وجود آن‌ها تثبیت کرده و حالا این نسل بنا دارد گام دوم را بردارد.

حتی برای تغییر اراده‌ی عمومی مردم و اینکه انقلاب به دست جوانان سپرده شود نیز این خودِ جوانان هستند که باید دست به کار شوند. جوانان باید «گفتمان انقلاب» را با یک حرکت جدی به تمام جامعه منتقل کنند. حرکت امروز جامعه نیاز به امید دارد و آنجا که امید به‌صورت طبیعی، بیشتر از هر نقطه‌ای خود را نشان می‌دهد در وجود جوانان است. جوان، همین که وارد عرصه شود امید را می‌آورد، قبل از اینکه حتی زبان به سخن بگشاید. حالا فرض کنید جوان امروز سخن از امید بگوید، امیدِ صادق: «شما جوانان باید پیش‌گام در شکستن این محاصره‌ی تبلیغاتی باشید. در خود و دیگران نهال امید به آینده را پرورش دهید. ترس و نومیدی را از خود و دیگران برانید. این نخستین و ریشه‌ای‌ترین جهاد شما است. ») ۴(

شاید انقلاب را نتوان با پیش از آن و یا با بسترهای غیرانقلابی عالم مقایسه کرد؛ اما می‌توان انقلاب را با خودش سنجید. اگر انقلاب را با خودش بسنجیم خواهیم دید آنچه باید می‌بودیم نیستیم و دلیل کُند شدن حرکت در برخی مقاطع، همان نکته‌ای است که نسل جوان امروز باید حل‌وفصلش کند: «بدانید که اگر بی‌توجّهی به شعارهای انقلاب و غفلت از جریان انقلابی در برهه‌هایی از تاریخ چهل‌ساله نمیبود -که متأسّفانه بود و خسارت‌بار هم بود- بی‌شک دستاوردهای انقلاب از این بسی بیشتر و کشور در مسیر رسیدن به آرمانهای بزرگ بسی جلوتر بود و بسیاری از مشکلات کنونی وجود نمیداشت»)۵(

بنابراین اگر اراده‌ی عمومی مردم، این جریان و گفتمان انقلابی را دوباره با بسامدی بالاتر به چشم آورد، این گام را نیز برخواهیم داشت و دوران استقامت و مقاومت به‌تمامه بُروز خواهد نمود، یعنی جوانان انقلابی، کشور را تحویل خواهند گرفت.

دوران جدیدی در حال آغاز است و رمز و رازها در این اشاره‌ی پیرِ سلوک امت انقلابی به نسل جوان نهفته است. رابطه‌ای است بین این پیر و این جوانان؛ رابطه‌ای که یادآور ارتباط امام و جوانان انقلابی و رزمنده است.

پی‌نوشت‌ها:
۱. بخشی از آیه‌ی ۱۱۲ سوره‌ی هود: «پس، همان‌گونه که دستور یافته‌ای ایستادگی کن، و هر که با تو توبه کرده [نیز چنین کند] ... »
۲. پیر کرد مرا سوره‌ی هود برای خاطر این آیه.
۳. بخشی از آیه‌ی ۳۰ سوره‌ی فصلت: «... کسانی که گفتند: "پروردگار ما خداوند یگانه است!" سپس استقامت کردند، فرشتگان بر آنان نازل می‌شوند که: "نترسید و غمگین مباشید، و بشارت باد بر شما به آن بهشتی که به شما وعده داده شده است!" »
۴. بیانیه رهبر انقلاب به مناسبت چهلمین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی ۱۳۹۷/۱۱/۲۲
۵. همان

نویسنده: حجت‌الاسلام علی مهدیان از اساتید علوم اسلامی و فعال حوزوی

منبع: **KHAMENEI.IR**